

حکمت های آفرینش جهان از دیدگاه قرآن و آثار عدم اعتقاد به حکمت های آفرینش

محمد حسین پیروز^۱، جعفر تابان^۲

^۱ دکترای گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

چکیده

یکی از موضوعاتی که در قرآن کریم به گونه ای مبسوط و موکد تبیین گردیده است مسأله خلق و آفرینش جهان هستی و مجموعه کائنات در مفهوم مطلق آن است. قرآن با بینشی عمیق، سرنوشت نهایی و هدف از آفرینش انسان و حتی جهان را مورد بررسی و کنکاش قرار داده و مقصد و مقصود مشخصی را برای آفرینش بیان نموده است. چرا که آفرینش این جهان بزرگ و هم چنین خلقت موجود عظیمی به نام انسان، نمی تواند بدون هدف و باطل باشد. هدفمند بودن خلقت هستی فی نفسه و در ذات خود حکمتی را می طلبد که با ملاحظات مصالحی آن را ایجاب می کند و ما را سوی معرفت حضرت حق و در نتیجه کمال و رسیدن به آن سوق می دهد و بسوی آن رهنمون می سازد. از جمله حکمت های جهان آفرینش از دیدگاه قرآن؛ آزمایش و ابتلاء، عبادت و پرستش، رسیدن به رحمت الهی، شکوفا شدن استعدادها و غیره نام برد.

واژه های کلیدی: انسان، جهان، رحمت، تقوی، حکمت، قرآن

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در قرآن کریم به گونه ای مبسوط و موکد تبیین گردیده است مسأله خلق و آفرینش جهان هستی و مجموعه کائنات در مفهوم مطلق آن است. آسمان و زمین و هرچه در آن، بلکه در عالم وجود است همگی نشانه های قدرت خداوند است. این نشانه ها آن قدر زیاد است که کسی را توانایی بر شمردن همه آن ها نیست. قرآن کریم بارها انسان را به دیدن این آیات دعوت کرده است. وسعت و تعدد کهکشان ها، منظومه ها، کرات و عجایب موجود در آن ها، برخورد ابرها و ایجاد رعد و برق و فواید بسیار زیاد آن، خلقت انسان به عنوان یکی از پیچیده ترین موجود خلقت، زندگی پیچیده زنبور عسل و... همگی تنها بخشی از نشانه های وجود و علم و حکمت و قدرت اوست.

از جمله قوی ترین مباحثی که به سوی ایمان فرا می خوانند تفکر در آفرینش خدای بلند مرتبه است، این تفکر یقین انسان را می افزاید و عظمت و مقدار دانش و حکمت الله تعالی را برای انسان آشکار می کند، خداوند بلند مرتبه آسمان ها و زمین را به حق آفریده است. او هیچ چیز را بیهوده نیافریده است، خدای بلند مرتبه می فرماید: « خداوند آسمانها و زمین را به حق آفرید. بی گمان در این مایه عبرتی برای مؤمنان است » (سوره عنکبوت آیه ۴۴). از مهمترین سوالاتی که هر کسی از خود می پرسد این است که ما برای چه آفریده شده ایم؟ و هدف آفرینش انسان ها و آمدن به این جهان چیست؟ قرآن با بینشی عمیق، سرنوشت نهایی و هدف از آفرینش انسان و حتی جهان را مورد بررسی و کنکاش قرار داده و مقصد و مقصود مشخصی را برای آفرینش بیان نموده است. چرا که آفرینش این جهان بزرگ و هم چنین خلقت موجود عظیمی به نام انسان، نمی تواند بدون هدف و باطل باشد. هدفمند بودن خلقت هستی فی نفسه و در ذات خود حکمتی را می طلبد که با ملاحظات مصالحی آن را ایجاب می کند و ما را سوی معرفت حضرت حق و در نتیجه کمال و رسیدن به آن سوق می دهد و به سوی آن رهنمون می سازد. از جمله حکمت های جهان آفرینش از دیدگاه قرآن؛ آزمایش و ابتلاء، عبادت و پرستش، رسیدن به رحمت الهی، شکوفا شدن استعدادها و غیره نام برد.

پیشینه تحقیق

با غور و تتبع در کلام خدا قرآن کریم، این موضوع برای ما روشن می شود که از زمان پیدایش انسان تاکنون هدف و مصلحت از خلقت جهان هستی و هر آن چه آن را در بر می گیرد یکی از مباحث اجتناب ناپذیر بشر بوده است چرا که به این بهانه، مطالعات فراوانی به انجام رسیده و کتب و مقالات متفاوتی در این زمینه به رشته تحریر در آمده است. با توجه به این که این موضوع (حکمت های آفرینش هستی) تاکنون به صورت مستقلی بصورت پایان نامه، کتاب و مقاله به انجام نرسیده است ولیکن با توجه به مطالعات گسترده این جانب در تفاسیر متعدد قرآن کتب مختلفی که به نوعی در زمینه جهان و مصالح و حکمت های آن نگاشته شده و مقالات مختلفی که به نوعی با موضوع مورد پژوهش مربوط است دریافت می شود که به طور پراکنده در تفاسیر در ذیل آیات مختلف که مربوط به آفرینش جهان و جنس معنوی آن است، به این موضوع پرداخته شده است. در این زمینه وقتی به تفاسیر رجوع می شود می بینیم که در ذیل آیات به مبحث مصالح و علل و حکمت های خلقت جهان، البته با توجه به کلام قدسی خداوند اشاره شده است. هم چنین با بررسی های به عمل آمده در کتاب خانه های تخصصی علوم قرآنی و حدیثی و پایان نامه های دانشجویی و سایت های معتبر، پایان نامه مستقلی راجع به موضوع خلقت جهان و هدف از آن در دیدگاه قرآن کریم یافت نشد. گرچه تشابهاتی در مکتوباتی که نویسندگان اسلامی بطور پراکنده موضوع مد نظر را بررسی کرده اند یافت می شود؛ به مانند: رساله هدف از خلقت انسان در قرآن و روایات که به تبیین و اثبات هدف دار بودن آفرینش انسان از منظر قرآن و روایات است. این رساله با پژوهشی در آیات و احادیث انجام داده به این نتیجه رسیده است که آفرینش انسان دارای هدف است و اگر چنین نبود انسان دچار پوچ گرایی و سرگردانی می شد و این با حکمت و

مصلحت خداوند متعال سازگار نیست. نگارنده در آغاز این نوشتار به بحث مفهوم هدف‌داری آفرینش انسان از نظر قرآن، روایات و اصطلاحات لغوی پرداخته و هدف را در دو نوع فاعلی و فعلی تعریف کرده است (غفاری، ۱۳۸۸). هم چنین مقاله هدف از آفرینش انسان، که به بررسی قرآن و معنای زندگی» معنا و هدف زندگی را در رابطه با فعالیت های جزئی و کلی زندگی توضیح می پردازد و با تأکید بر اهمیت معنای زندگی، نگاه کوتاه به خلاء معنایی در غرب می اندازد و گذشته معناداری و عوامل کنارگذاری معنا و آثار بی معنایی را در این دیار توضیح می دهد (سجادی، ۱۳۸۵). و نیز مقاله عبودیت و بندگی که به بررسی هدف آفرینش انسان و بعثت پیامبران الهی امی پردازد. و رفتار بشر از آغاز پیدایش تا کنون را شاهد این نیاز می داند و راز آن را باید در عهد و پیمان خدا با بنی آدم در صحیفه فطرت جستجو می کند و عبادت خدا را تنها راه رشد انسان و یگانه مسیر رسیدن به کمال می داند (عابدینی، ۱۳۸۹). هم چنین مقاله هدف آفرینش و نحوه فاعلیت حق تعالی از منظر ابن سینا با محوریت کتاب الاشارات و التنبیها که به بررسی نظر ابن سینا می پردازد که معتقد است که واجب الوجود در آفرینش عالم هستی به دنبال غرضی نیست (رنجبری، ۱۳۹۵). با این وجود با صراحت می توان گفت که تا کنون پژوهش جامع و مستقلی پیرامون این موضوع صورت نگرفته، یا حداقل منتشر نشده است. لذا این جانب با مطالعه تعدادی از منابع تفسیری با استناد به آیات قرآن کریم، که دلالت روشنی بر این موضوع دارد، سعی دارم تحقیقی نو و تازه ارائه دهیم.

ضرورت و اهداف

تا به حال درباره موضوع حکمت ها و مصالح هستی مخلوقات- که به حوزه علوم انسانی مربوط می شود - تفحصات فراوانی انجام گرفته است و محققین زیادی در حوزه های علوم مختلف ابعادی از آن را مورد تحقیق قرار داده و آن را در شکل دیگر علوم مختلف انسانی مورد تفقد قرار داده اند، اما پرداختن به مجموعه آثار زیان باری که در اثر نبود اعتقاد و باور به حکمت و مصلحت برای ایجاد و خلقت جهان آفرینش به وقوع می پیوندد و در نتیجه معنوی بودن این مصالح را برای ایجاد جهان ایجاب می کند و هستی را موجودیت می بخشد و نگاه صحیح و دقیق قرآن به آن، در مجموعه ای جداگانه و مستقل بصورت مدون و تبیین شده انجام نشده و در شکل رساله ای عملی نشده است. لذا پرداختن به این موضوع دارای جنبه نو و تازه می باشد. از آن جایی که در تحقیقات بعمل آمده کتاب یا پژوهش مستقلی که همه عناوین موضوع را در بر گرفته باشد وجود ندارد. این مقاله قصد دارد برای جامعه علمی دانشگاهی، آموزش و پرورش، حوزه های علمیه، واعظان، روانشناسان و کلیه کسانی که با امر تعلیم و تربیت در حوزه انسان شناسی سرو کار دارند مسندی مفید باشد.

تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم

حکمت به معنای علم با ارزشی که همراه با عمل باشد، واژه ای است که در فرهنگ های گوناگون به کار می رود و در قرآن، حدیث، فلسفه، تصوف و عرفان اسلامی درباره آن بحث شده است. معادل فارسی حکمت، فرزانی است و به شخص حکیم، فرزانه می گویند. معنای اول این ریشه را برخی «بازداشتن» دانسته اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴) همین معنا را در یکی از معانی ذکر شده برای حکمت می یابیم: علمی که انسان را از کار زشت باز می دارد. (طریحی نجفی، ۱۳۷۵ ش) بر همین اساس، لگام اسب را حَکَمَه خوانده اند، چون اسب را از چموشی باز می دارد، و فرمانروا را حاکم خوانده اند چون ستمگر را از ستمگری باز می دارد. (عروضی فراهیدی، ۱۴۱۰ ق). واژه حکمت بیست بار در قرآن کریم به کار رفته است. براساس آیات قرآن، پیامبران برانگیخته شده اند تا به مردم کتاب و حکمت بیاموزند (سوره جمعه آیه ۲) خدا به همه پیامبران (سوره آل عمران آیه ۸۱) و لقمان حکمت عطا کرده است (سوره لقمان آیه ۱۲) خدا به حضرت داوود ملک و حکمت (سوره بقره آیه ۲۵۱) و نیز حکمت و فضل الخطاب داده (سوره ص آیه ۲۰) و به آل ابراهیم نیز کتاب و حکمت و ملک عظیم بخشیده است. (سوره نساء آیه ۵۴)

ابراهیم و اسماعیل در یکی از دعاهای خود از خدا خواسته‌اند در میان ذریه ایشان رسولی را برانگیزد که بر مردم آیات الهی را بخواند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد. (سوره بقره آیه ۱۲۹) خدا به عیسی بن مریم کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموخت (سوره آل عمران آیه ۴۸) و او را به جانب بنی اسرائیل فرستاد. (سوره آل عمران آیه ۴۹)

بنابر آیات قرآن، خدا به هرکس بخواهد، حکمت عطا می‌کند و به کسی که حکمت عطا کند، خیر فراوانی داده شده است. (سوره بقره آیه ۲۶۹) براساس مجموع آیات، حکمت به پیامبران عطا شده و به مردم تعلیم داده می‌شود. از میان پیامبران، فقط در مورد عیسی بن مریم گفته شده که حکمت به او تعلیم شده است. (سوره مائده آیه ۱۱۰) به پیامبر اسلام حکمت وحی شده است و این حکمت، مجموعه‌ای از توصیه‌های اعتقادی و دستورهای اخلاقی است از قبیل نهی از شرک، زیاده‌روی در هزینه‌ها، خوردن ناروای مال یتیم، تبعیت از امر نامعلوم، قتل نفس، تکبر و امر به احسان به پدر و مادر و پرداخت حق نزدیکان و درماندگان، میانه‌روی در معیشت و داد و ستد عادلانه. (سوره اسراء آیه ۱۲ و ۳۹).

۱- رحمت

معنی لغوی رحمت: راغب اصفهانی می‌نویسد: رحمت دلسوزی است که اقتضای نیکی به کسی که مورد رحمت است را دارد و گاهی رحمت در دلسوزی، به تنهایی استعمال می‌گردد و گاهی نیز در نیکی فارغ از دلسوزی (راغب، ۱۴۱۲ ق).

اما اگر رحمت را در آیات قرآن پیگیری کنیم در مجموع بیش از سیصد مرتبه در قرآن تکرار شده و همه به عنوان وصف خداوند است مگر آیه ۱۲۸ توبه که صفت رحیم برای پیامبر آمده است و دو واژه رحمان و رحیم از نظر معنا با هم فرق دارند که رحمان بر وسعت رحمت خداوند بر مومن و غیر مومن و انسان و غیر انسان و همه موجودات می‌شود و عام است اما رحیم صفت مشبیه و وصف خاص خداوند است که شامل حال بندگان مومن است. مهمترین علت خلقت آن است که آفرینش جهان هستی از باب رحمت خداوند بر بندگان است و قرآن کریم این مطلب را در آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره هود بیان نموده است.

رحمت الهی مخصوص گروه معینی نیست بلکه همه می‌توانند «به شرط اینکه بخواهند» از آن استفاده کنند. اصلاً خداوند مردم را برای پذیرش این رحمت و موهبت آفرید. آنها که بخواهند رحمت خدا شامل حالشان شود راه برایشان باز است. رحمتی که از طریق تشخیص عقل و هدایت انبیاء الهی و کتب آسمانی به همه مردم اضافه شده است و اگر جن و انس از این موهبت و رحمت الهی استفاده نکردند و فرصت را از دست دادند خداوند جهنم را از سرکشان و طاغیان جن و انس پر می‌کند.

رابطه خداوند با همه مخلوقاتش و در رأس آن انسان‌ها بر اساس دو صفت رحمانیت و رحیمیت استوار شده است و حتی تجلی اوصافی مانند دو انتقام یا عذاب الهی تحت شمول عام رحمت قابل تحلیل است و بر اساس نصوص قرآنی و روایی، رحمت الهی بر اوصاف دیگرش از جمله اوصاف غضبیه سبقت دارد.

۲- تقوا

تقوا و کلمات هم خانواده و مشتقات آن در مجموع ۲۵۸ بار به دو شکل اسمی و فعلی در قرآن استعمال شده است. ریشه و اصل واژه تقوا از وقی است و در لسان العرب معنای آن را حفظ کردن و مصون داشتن چیزی در برابر شی یا امر ناگوار و زیان آور دانسته است (ابن منظور، ۱۳۷۵ ق). و در قرآن به همین معنای حفظ و نگهداری آمده است. آیه ۹ سوره غافر این مطلب را بیان نموده است. «خدایا مومنان را از بدی‌ها نگاه دار و هر کس را در آن روز از بدی‌ها حفظ کردی مشمول رحمت خویش ساخته ای و این همان رستگاری بزرگ است.»

حکمت های جهان آفرینش از دیدگاه قرآن

آزمایش و ابتلاء: در آیاتی از قرآن کریم، هدف از آفرینش انسان‌ها آزمایش و امتحان دانسته شده است، از جمله که می‌فرماید: «خداوند مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید و او شکست‌ناپذیر و بخشنده است» (ملک ۲). این امتحان برمی‌گردد به ظهور و بروز کمالات انسانی که مفسرین در آن زیاد سخن رانده اند اما علامه طباطبایی با نگاهی دقیق آن را علاوه بر مفادی که گفتیم افاده می‌کند، اشاره‌ای هم به این نکته دارد که مقصود بالذات از خلقت رساندن جزای خیر به بندگان بوده، چون در این آیه سخنی از گناه و کار زشت و کیفر نیامده، تنها عمل خوب را ذکر کرده و فرموده خلقت حیات و موت برای این است که معلوم شود کدام یک عملش بهتر است. پس صاحبان عمل نیک مقصود اصلی از خلقتند، و اما دیگران به خاطر آنان خلق شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴).

علم توحید: در آیه دیگر، هدف از آفرینش آدمی را علم به قدرت بی‌پایان الهی و آگاهی به یگانگی او می‌داند، آن‌جا که می‌فرماید: «خداوندی که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند را، فرمان او پیوسته فرود آید تا بدانید خداوند بر همه چیز توانا است» (طلاق ۱۲). معرفت خدا و علم توحید زمینه‌ساز بالاترین کمالات است برای انسان که سودش به خود انسان برمی‌گردد نه خداوند، چرا که او غنی مطلق می‌باشد. این معرفت تا بدان حد است. تفسیر نمونه نیز بدان اذعان دارد: «چه تعبیر جالبی که هدف این آفرینش عظیم را آگاهی انسان از صفات خدا از علم و قدرت او می‌شمرد که آگاهی از این دو صفت برای تربیت انسان کافی است. انسان باید بداند او بر تمام اسرار وجودش احاطه دارد، و از همه اعمالش با خبر است، و نیز بداند وعده‌هایش در زمینه معاد و رستاخیز، در زمینه پاداش و کیفر و در زمینه وعده پیروزی مؤمنان تخلف ناپذیر است. آری خدایی که چنین علم و قدرتی دارد و نظام عالم هستی را اداره می‌کند اگر احکامی در زمینه زندگی انسانها، در رابطه با طلاق و حقوق زنان قرار داده، همگی روی حساب دقیق و متقن است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

عبادت: یکی از فلسفه‌ها و علت‌های آفرینش انسان براساس آیات قرآن عبادت کردن است عبادت تنها ارکان و ازکار نماز نیست بلکه همه اعمال و رفتار و کردار و تصمیمات ما یم توانند عبادت باشد به شرط اینکه برای خدا والهی و رنگ و صبغه الهی داشته باشند و مهم تر اینکه حکمت‌های عبادت را بفهمیم.

در موردی دیگر، از عبادت به عنوان هدف آفرینش انسان و جن نام برده شده است: «من جنس و انس را نیافریدم جز برای این‌که عبادتم کنند» (الذاریات ۵۶) و بدین‌وسیله به قلّه کمالات راه یابد. و از مجاهد نقل شده است یعنی: من آنان را نیافریده‌ام مگر برای آنکه به آنان امر و نهی کنم و از آنان بخواهم که مرا پرستش کنند. لام در (لیعبدون) لام غرض است باین معنی که هدف از آفرینش جن و انس آنست که آنان را در معرض پاداش نیک قرار دهم، و این بدست نمی‌آید مگر بوسیله انجام دادن عبادت‌ها پس این طور میشود که خداوند هدفش از آفرینش جن و انس عبادت است، بنا بر این اگر گروهی او را عبادت نکردند غرض و هدف آفرینش باطل نخواهد شد (طبرسی، ۱۳۷۲).

رسیدن به رحمت الهی: در برخی از آیات قرآنی، هدف از آفرینش انسان را رسیدن به رحمت بی‌پایان الهی می‌داند و می‌فرماید: «اگر پروردگارت می‌خواست، همه مردم را یک امت قرار می‌داد، ولی آن‌ها همواره مختلفند، مگر کسی که مورد رحمت الهی قرار گیرد، و برای همین پذیرش رحمت خداوند آن‌ها را آفرید» (هود ۱۱۸) در تفسیر مجمع البیان به نقل از قتاده بیان و مصلحتی در خور توجه برای حکمت آفرینش ذکر شده. در پایان آن‌جا که آمده است: «اما این کار مخالف با تکلیف بود و هدف تکلیف را از بین می‌برد، زیرا غرض از تکلیف استحقاق ثواب و پاداش است، و پذیرفتن دین از روی اجبار و ناچاری از استحقاق ثواب جلوگیری کند، و به همین جهت خداوند چنین چیزی را نخواست و آن‌چه خواسته این است که مردم از روی اختیار ایمان آورده تا مستحق ثواب گردند و این معنایی است که قتاده گفته» (طبرسی، ۱۳۷۲).

خلقت جهان به دور از بازیچه بودن: «و ما آسمان و زمین و آنچه را در میان آنهاست برای بازی نیافریدیم» (انبیاء ۱۶). این زمین گسترده، این آسمان پهناور، و این همه موجودات متنوع و بدیعی که در صحنه آن ها است نشان می‌دهد، غرض مهمی در کار بوده است، آری هدف این بوده که از یک سو بیانگر آن آفریننده بزرگ باشند و نشانه‌ای از عظمتش، و از سوی دیگر دلیلی بر معاد باشد و گرنه این همه غوغا برای این چند روز معنی نداشت. آیا ممکن است انسانی در وسط بیابانی، کاخ مجهزی با تمام وسائل فراهم کند تنها برای این که در تمام عمر یک ساعت از آن جا می‌گذرد، در آن استراحت می‌کند؟ کوتاه سخن این که: اگر این جهان با عظمت را از دریچه چشم مردم بی ایمان بنگریم پوچ و بی‌هدف است، تنها ایمان به مبداء و معاد است که آن را هدفدار می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

خلقت جهان به فرمان خدا، بر اساس حق و به دور از بطلان: «و ما آسمان و زمین و آنچه میان آن دو است جز به حق نیافریدیم» (حجر ۸۵). یعنی آسمان های با رفعت و زمین های با بساطت و مخلوقات با عظمت را لغو و عبث و باطل نیافریدیم، بلکه تمام بر وجه حکمت و مصلحت ایجاد شده که نتیجه همه، ستایش و پرستش ذات بی‌زوال خالق یکتا است «(شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳).

هدفمندی آفرینش: «و اوست کسی که آسمان ها و زمین را به حق آفرید و روزی که بگوید موجود شو، هست می‌شود، سخن او حق است» (انعام ۷۳). در میزان این آیه در نقش حجتی آشکار برای هدف آفرینش آمده است: «مثلا همین جمله مورد بحث، با این که جمله کوتاهی است، و لیکن خود متضمن حجت و دلیل دندان‌شکنی است. زیرا در این جمله می‌فرماید: خلقت همه عالم فعل حق تعالی است، و همه آن ها را به حق آفریده نه به باطل، و فعلی که به حق انجام شده و یک خردل باطل در آن راه ندارد، ناچار غایت و غرضی در انجامش منظور بوده، و غرض از خلقت عالم همانا بازگشت به سوی او است» (طباطبایی، ۱۳۷۴).

شکوفای شدن استعدادها: سرشت انسان و وضعیت عمومی جهان طبیعت به گونه ای است که بسیاری از استعدادها مادی و معنوی انسان جز در سایه مواجهه با سختی ها و مبارزه با مشکلات شکوفا نمی‌شود. همان‌گونه که عضلات بدن یک ورزشکار تنها از راه تمرین های سخت و طاقت فرسا ورزیده می‌شود، پاره ای قابلیت های روحی و معنوی انسان نیز در برخورد با مصائب و تلاش برای چیرگی بر دشواری های زندگانی، شکوفایی و ظهور می‌یابد. مثلا بسیاری از اکتشافات و اختراعات علمی، تحت تأثیر نیازهای اساسی آدمی برای حل مشکلات فردی و جمعی خود رخ داده است. قرآن بر این واقعیت تأکید می‌ورزد که در دامان هر سختی و مصیبتی، آسانی و سهولتی نهفته است. «پس با دشواری، آسانی است، آری، با دشواری، آسانی است» (سوره شرح، آیه ۵ و ۶). چون رسالتی که خدای تعالی بر پیامبر تحمیل کرده، و دستور داد مردم را به سوی آن دعوت کند سنگین‌ترین باری است که بر یک بشر تحمیل شود، و معلوم است که با قبول این مسئولیت کار بر آن جناب دشوار شده، و هم چنین تکذیبی که قومش نسبت به دعوتش نموده و استخفافی که به آن جناب کردند، و اصراری که در محو نام او می‌ورزیدند، همه برای آن جناب دشواری روی دشواری بوده، و معلوم است که این عمل خدای تعالی مانند همه اعمالش بر طبق سنتی بوده که در عالم به جریان انداخته، و آن این است که همیشه بعد از هر دشواری سهولتی پدید می‌آورد، و به همین جهت مطلب دو آیه قبل را تعلیل کرده به این که اگر از تو وضع وزر کردیم، و اگر نامت را بلند ساختیم، برای این بود که سنت ما بر این جاری شده که بعد از عسر، یسر بفرستیم (طباطبایی، ۱۳۷۴). امام علی (ع) نیز تأثیر سختی ها را در شکوفایی استعدادها نهفته آدمی، در قالب تشبیهاتی بسیار زیبا، در نامه ۴۵ نهج البلاغه چنین بیان می‌دارد: «بدانید که شاخه درختی که در بیابان می‌روید سخت‌تر است [حال آن که] پوست سبزه های خوش نازک‌تر است و آتش گیاهان صحرايي افروخته تر و خاموشی آنان دیرتر است». در همین راستا باید اذعان داشت بر اساس دیدگاه ملاصدرا از دیدگاه قرآن کریم، افعال الهی و آفرینش هستی، کاملا غایت‌مند است. از دیدگاه حکمت متعالیه ملاصدرا نیز افعال الهی، کاملا غایت‌مند بوده و دارای علت غایی و غایت است. دقت در عبارات و کلمات ملاصدرا، نشان دهنده این است که نه تنها آموزه‌های حکمت متعالیه در مورد اصل غایت‌مندی افعال الهی با قرآن کریم، ناسازگاری ندارد، بلکه در نحوه عبارت پردازی نیز هماهنگی بسیاری مشاهده

می‌شود؛ از جمله این که قرآن کریم غایت‌مندی افعال الهی را بیشتر در قالب عباراتی مثل نفی عبث و باطل و لعب - که تا حدود زیادی با یکدیگر مترادف هستند، بیان نموده و ملاصدرا نیز غایت‌مند نبودن افعال الهی را مستلزم راه یافتن عبث در افعال الهی و ناسازگار با حکمت الهی دانسته‌است. از دیدگاه قرآن کریم، علت غایی آفرینش سایر مخلوقات غیر از انسان، انسان است (ملاصدرا، ۱۳۵۴).

آثار عدم اعتقاد به حکمت های آفرینش

با وجود تاکید خداوند بر هدفمند کردن خلقت و بودن مصلحت در کردار خویش، بی باوری و عدم اعتقاد به این مهم می‌تواند عوارض زیان باری را بر منکران و بی اعتقادان به آن حمل کند از جمله: کفر: «آری آیات من به سراغ تو (انسان) آمد اما تو آن را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از کافران بودی» (زمر ۵۹). یعنی این که می‌گویی اگر هدایت الهی به سراغ من آمده بود از پرهیزگاران بودم. هدایت الهی چیست؟ جز این همه کتب آسمانی و فرستادگان خدا و آیات و نشانه‌های حق در آفاق و انفس؟ همه این آیات را دیدی و شنیدی عکس العمل تو در مقابل آن چه بود؟ تکذیب و استکبار و کفر! مگر ممکن است خدا بدون اتمام حجت کسی را مجازات کند؟ مگر میان تو و هدایت‌یافتگان تفاوتی از نظر برنامه‌های تربیتی خداوند وجود داشت؟ بنابراین مقصر اصلی خودت هستی و خود کرده‌ای که لعنت بر خودت باد! از میان این سه عمل، استکبار ریشه اصلی است و به دنبال آن تکذیب آیات الهی و نتیجه آن کفر و بی‌ایمانی است. اما چرا از گفتار اول آن‌ها پاسخ نمی‌دهد؟ زیرا واقعیتی است که گریزی از آن نیست. آن‌ها باید حسرت بخورند و غرق غم و اندوه باشند. و اما در مورد گفتار سوم دائر به تقاضای بازگشت به دنیا چون در موارد متعددی از آیات قرآن به آن پاسخ داده شد «مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

عدم عبادت خدا: «همان پروردگار آسمان‌ها و زمین و آن چه در میان این دو قرار دارد او را پرستش کن و در راه عبادتش شکبیا باش آیا مثل و ماندی برای او پیدا می‌کنی. انسان می‌گوید آیا پس از مردن در آینده زنده (از قبر) بیرون خواهم آمد» (مریم ۶۶ و ۶۵). چون خدا را تنها مدعی آفرینش و هدف دار کردن خلقت می‌داند در مجموع وی راشایسته پرستش می‌داند که اگر این باور نباشد عبادت وی نیز مسدود می‌گردد. ابن عباس و مجاهد و ابن جریج و سعید بن جبیر گویند: یعنی آیا برای خداوند شبیه و همانندی سراغ داری؟ کلبی گوید: یعنی آیا جز خدا کسی سراغ داری که شایستگی داشته باشد که او را خدا نام گذاری؟ برخی گویند: یعنی آیا جز خدا کسی می‌شناسی که: خداوند و خالق و رازق و حیات بخش و میراننده و قادر بر کيفر و ثواب باشد، تا او را عبادت کنی؟! اگر جز او کسی سراغ نداری، به عبادت او قیام کن و عبادتش را ترک مکن. این استفهام، بمعنای نفی است. یعنی کسی نمی‌شناسی که خدا نامیده شود «(طبرسی، ۱۳۷۲).

گرایش به لهو: «و ما آسمان و زمین و آن چه را در میان آن هاست برای بازی نیافریدیم» (انبیاء ۱۷ و ۱۶). در قرآن مجید بارها بر این مسأله تأکید شده است که جهان هستی بازیچه نیست و هدفدار آفریده شده است. ۱- هستی هدفدار است. ۲- کسی که هدفش بازیگری است، وسایل بازی می‌سازد، نه جهان بی‌نهایتی که تنها، سلول و اتم آن عصرها و نسل‌ها را به مطالعه پیرامون آن واداشته است. ۳- اگر بر فرض محال بنای خداوند بر بازی و کار لغو بود، باید آن را متناسب با ذات خود می‌آفرید، (نه مادیات و اجسام). ۴- اگر بر فرض محال، خداوند هدف بازیگری داشت، دیگر کاری به خلقت انسان نداشت، این همه انبیا را بزحمت نمی‌انداخت، امر و نهی نمی‌کرد و ثواب و عقابی مقرر نمی‌داشت «(قرائتی، ۱۳۸۸).

شرک: «اهل کتاب از تو می‌خواهند که برایشان کتابی از آسمان نازل کنی. اینان بزرگ تر از این را از موسی طلب کردند و گفتند: خدا را به آشکار به ما بنمای. به سبب این سخن کفرآمیزشان صاعقه آنان را فرو گرفت. و پس از آن که معجزه‌هایی برایشان آمده بود گوساله‌ای را به خدایی گرفتند و ما آنان را بخشیدیم و موسی را حجتی آشکار ارزانی داشتیم» (نساء ۱۵۳). جهلی که در اثر انکار هدف خلقت بر آنان دلیل می‌شود سبب ساز شرکی می‌گردد که به آن مبتلی می‌گردند، سؤالی است که از کسی که در برابر حق خاضع و برای حقیقت منقاد باشد هرگز سر نمی‌زند، تنها کسی که چنین درخواستی می‌کند که در

اثر عمری هواپرستی دچار لغو و هذیان گویی شده باشد و برای سخن گفتن خود هیچ قید و شرطی قائل نباشد و سخنش هیچ پایه و اساسی نداشته باشد، نظیر مردم مکه یعنی قریش که در عین این که قرآن داشت در بین آنان نازل می‌شد، و به خاطر همین اساسی که ما برای درخواست آنان ذکر کردیم، بود که خدای سبحان در پاسخ درخواست آنان اولا فرمود: این اهل کتاب مردمی متمادی در جهالتند، و به جهالت و گمراهی خود ادامه می‌دهند، حاضرند انواع ظلم‌ها را هر چند که عظیم باشد مرتکب شوند و در برابر حق کفر و جحود بورزند، هر چند که آورنده آن حقیقت، بینه و دلیل قطعی بی‌اورد و نیز هیچ پروایی از این ندارند که پیمان خود را هر چه هم غلیظ و محکم باشد بشکنند و گناهای دیگر چون دروغ و بهتان و هر ظلمی دیگر را مرتکب گردند و کسی که وضعش چنین است لیاقت آن ندارد که خدای تعالی خواسته او را اجابت کند و به پیشنهاد او وقعی بگذارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴).

ناشکری: «آن گاه بالای او راست کرد و از روح خود در آن بدمید. و برایتان گوش و چشم‌ها و دل‌ها آفرید. چه اندک شکر می‌گویید. و گفتند: آیا وقتی که در زمین ناپدید شویم، آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟ آری، ایشان به دیدار با پروردگارش ایمان ندارند (سجده ۱۰ و ۹). قوانین حاکم بر جهان، براساس علم بی‌پایان الهی است. آری، تدبیر و اداره هر مجموعه‌ای به آگاهی از آن نیاز دارد. علم الهی، نسبت به پیدا و پنهان یکسان است. قدرت الهی با مهر همراه است. همه‌ی آفریده‌ها نیکوست. همه چیز آفریده‌ی خداست (قرآنی، ۱۳۸۸).

مصلحت خلقت آفرینش: خداوند در قرآن می‌فرماید: «و عطاى پروردگارت منع نشده است» (اسراء، ۲۰). خداوند متعال، برای عطا کردن از ناحیه‌ی خودش، هیچ محدودیتی ندارد؛ پس هر جا که عطا نمی‌کند، به دلیل محدودیت پذیرنده‌ی عطا است نه عطا کننده، و هر چیز که لایق عطا شدن باشد، عطا می‌شود. در مجموع بحث اتحاد ذات و صفات خداوند، یک بحث کلامی عمیق است که می‌توانید آن را در علم کلام در بحث توحید صفاتی مطالعه کنید. آن چه در این جا برای ما مهم می‌باشد، این است که فیاض بودن - که علت غایی آفرینش است - عین ذات خداست و خارج از ذات او نیست. پس اگر سؤال شود چرا خداوند آفرید؟ خواهیم گفت: چون خدا است. پس علت غایی در واقع خود خداوند است. این همان سخن فلاسفه ماست که می‌گوید: علت غایی و علت فاعلی در افعال خداوند، متحد است (طباطبایی، ۱۳۷۴). و شاید بتوان همین معنا را از برخی آیات استنباط کرد تمام کارها به او بازگردانده می‌شود» (هود، ۱۲۳). در عین حال اگر پرسیده شود: تکامل و قرب پروردگار برای چه منظوری است؟ می‌گوییم: برای قرب به پروردگار! یعنی این هدف نهایی است و همه چیز را برای تکامل و قرب می‌خواهیم اما قرب و دریافت رحمت را برای خودش (یعنی برای تقرب به پروردگار) که ماورای آن پاسخ دیگری نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱). بنابراین پروردگار وجودی لایتناهی است و همه‌ی کمال‌ها در وی موجود است و آفریدن (یعنی ایجاد کردن) فیض اوست و از آن روی که خداوند فیاض است کمال فیاضیت او اقتضا می‌کند که هر چه را لایق آفریده شدن است بیافریند. پس خداوند آفرید، چون فیاض است. یعنی هدف و چرایی آفرینش در فیاضیت او است. از آنجا که صفات ذاتی خداوند خارج از ذات او نیست می‌توان گفت هدف از آفرینش، ذات خداوند است. البته نباید دور از ذهن داشت که مجموعه مصالح و حکمت‌هایی که آفرینش جهان را ایجاب می‌کند همان گونه که در شروح تفسیری و حتی فلسفی آن رفت مصالحی از جنس معنوی و خارج از حیطة مادی و صرفاً نگرشی مادی گرایانه و تجربی به معنی مطلق آن هستند چرا که این اقتضا را خود مصالح، حکمت‌ها در ذات خود فی نفسه دارا هستند. از جمله در آیات فراوانی از قرآن کریم آمده است که ذات خداوند هدف فعلی و غایت افعال الهی است. از جمله در بحث غایت می‌توان بدین آیه اشاره داشت که هو الاول و الآخر (حدید ۳۳). که از طریق آخر بودن او، غایت بودن او نیز برای موجودات اثبات می‌شود. «یعنی اوست اولین موجود و حقیقت آن اینست که او سبقت و تقدّم دارد بر همه موجودات به آن چه نهایت ندارد از تقدیر اوقات برای آن که او قدیم و ما سوای او حادث است و قدیم از حادث سبقت دارد به چیزی که نهایت ندارد از تقدیر اوقات بعد از فناء و نابودی همه موجودات برای آن که اوست که تمام اجسام را فانی و نابود کند و اوست که آن چه از اعراض است از بین می‌برد و او به تنهایی باقی می‌ماند و بس» (طبرسی، ۱۳۷۲). این توضیح و تفسیر به روشنی دلالت بر مصلحتی غیر مادی و معقول و معنوی بر احیاء و آفرینش

جهان است که مفسر ارجمند طبرسی بدان پرداخته است. از این روی آفرینش جهان بر مبنای حکمتی معنوی است که رد افعال پروردگار نمود دارد. و به عبارتی این موضوع در آیات قرآن نیز لحاظ گردیده است. که به توضیح و بسط تفسیری توسط این جانب مبسوط تر می گردد تا تا بدین ترتیب این موضوع تبیین گردد و زوایای مجهول آن آشکار گردد.

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد به این نتیجه می‌رسیم که آفرینش عالم هستی، بر اساس هدف و مقصد روشن می‌باشد و آن هدف تکامل و رشد و شکوفایی در موجودات عالم است بلکه در جهت رشد و تکامل شریف‌ترین موجودات، بنام انسان می‌باشد و همه موجودات عالم خلقت رشد و تکامل آنها نیز در جهت فراهم آوردن زمینه برای رشد و شکوفایی انسان است. انسان می‌تواند با پرستش و عبادت خداوند و با انجام اعمالی که مورد رضایت اوست رشد و تکامل یابد و به مقام قرب الهی و رضوان الهی برسد. به طور کلی در آیات و روایات چهار هدف برای خلقت انسان ذکر شده است: خلقت پیامبر و ائمه، پرستش خدای متعال، شناخت خداوند، اظهار قدرت، حکمت، تدبیر و علم خداوند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند
۲. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر، قم
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت
۵. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶ ش، ره توشه حج، نشر مشعر، تهران
۶. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳ ش، تفسیر اثنی‌عشری، انتشارات میقات، تهران
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، دار الشامیة، بیروت
۸. سجادی، جعفر، ۱۳۵۲ ش، حکمت اسلامی و فلسفه یونانی، نشریه مقالات و بررسی‌ها
۹. طریحی نجفی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرین، مکتبه المرتضویه، تهران
۱۰. طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲ ش، پرتویی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۴ ش، میزان فی تفسیر القرآن، مترجم، محمد باقر موسوی همدانی، دفتر نشر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصرخسرو، تهران
۱۳. عابدینی، عبدالکریم، ۱۳۸۹ ش، عبودیت و بندگی در آیات، نشریه مطالعات تفسیری
۱۴. عروزی فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، العین، انتشارات هجرت، قم
۱۵. غفاری قمی، اسماعیل، ۱۳۹۰ ش، فلسفه خلقت انسان در قرآن و روایات، مؤسسه بوستان کتاب، قم
۱۶. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر صافی، انتشارات صدر، تهران
۱۷. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، المصباح المنیر فی غریب الشهر الکبیر، مؤسسه دارالهجره، قم
۱۸. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸ ش، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران
۱۹. قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱ ش، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم
۲۰. مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰ ش، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، تهران

۲۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.